



دوره چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲

چارچوب حقوقی بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول: مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی کانادا، آمریکا، دانمارک و ایران

علی سلیمانی*^۱، طیبه صاحب^۲

۱. کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. استادیار، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

در سال‌های اخیر ارزش آثار ادبی و هنری و نحوه بهره‌برداری از آن‌ها به‌طور فزاینده‌ای اهمیت و توجه یافته است و در حال حاضر نقش مهمی در تولید علم و پیشرفت علمی و فرهنگی ایران ایفا می‌کنند. با وجود این از آنجایی که طبق قوانین حق ادبی و هنری لازمه بهره‌برداری مشروع و قانونی از آثار ادبی و هنری، کسب اجازه از صاحب حق ادبی و هنری است، در این میان آثاری تحت عنوان آثار ادبی و هنری مجهول وجود دارند که صاحب فعلی آن موجود نیست یا نمی‌توان او را یافت. در نظام حقوقی ایران این آثار شناسایی نشده‌اند و مقررات خاصی در خصوص آن‌ها وجود ندارد که باتوجه به اهمیت موضوع آثار مذکور و چالش‌هایی که برای مصرف‌کنندگان آن‌ها ایجاد می‌کنند، مراجعه به سایر نظام‌های حقوقی معاصر و بهره‌گیری از تجربیات و بررسی رویکردهای آن‌ها، می‌تواند راهگشای شناسایی چالش‌های بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول و چراغ راهی برای قانون‌گذاری در وضع قوانین مناسب در این خصوص باشد. از این‌رو، پژوهش حاضر با روش تحلیلی توصیفی و تطبیقی بر آن است که ضمن تبیین چالش‌های ناشی از آثار ادبی و هنری مجهول به واکاوی دیدگاه‌های متنوع در این حوزه و ارزیابی آن‌ها بپردازد و در پایان، پیشنهادهای خود را درباره فراهم‌نمودن تسهیلات در بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول در ایران ارائه کند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۹-۵۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن:

ایمیل: ali.solaymani.ir@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

آثار ادبی و هنری مجهول، مجوزهای اجباری، مجوزهای جمعی، روش محدودیت در مسؤولیت.



مقدمه

امروزه به دلایل مختلفی از جمله ظهور و رشد روزافزون فناوری‌های جدید و تمایل بیشتر مصرف‌کنندگان به بهره‌برداری از آثار دیجیتالی به جای آثار مکتوب با آثاری به نام آثار ادبی و هنری مجهول مواجه هستیم. در آمریکا و سایر کشورهای خارجی به آثار ادبی و هنری مجهول، آثار یتیم^۱ گفته می‌شود و منظور آن است که مصرف‌کننده که خواهان کسب مجوز بهره‌برداری از اثر است، نتواند صاحب حق ادبی و هنری را شناسایی و یا مکان وی را تشخیص دهد (Gader-Shafran, 2015: 25).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت، آثار ادبی و هنری مجهول، آثاری هستند که علی‌رغم تلاش معقول برای یافتن صاحب حق ادبی و هنری، نتوان وی را شناسایی کرد (Bezos, 2007: 1-23) یا علی‌رغم شناسایی صاحب حق، آدرس وی شناسایی نشود. به معضل استفاده از این قبیل آثار نیز «مشکل آثار ادبی و هنری مجهول^۲» گفته می‌شود. اگر اطلاعات مربوط به نویسنده و یا دیگر صاحبان حق (مانند ناشرین یا تولیدکنندگان فیلم) در مورد آثار حمایت‌شده، از بین برود. این آثار را می‌توان به‌عنوان آثار ادبی و هنری مجهول تلقی کرد (WIPO, 2008). مشکل آثار مذکور به دلایل متعددی، از جمله اصل عدم لزوم تشریفات ثبت آثار ادبی و هنری، گسترش مدت حمایت و ظهور فناوری دیجیتال ایجاد می‌شود. در حال حاضر مشکل آثار ادبی و هنری مجهول به یکی از چالش‌های عمده حق ادبی و هنری تبدیل شده است (Durantaye, 2011: 229-232) که به‌طور قابل توجه در منافع عمومی تأثیر گذاشته است (Penetrante, 2010: 32). در واقع این مسأله به‌طور گسترده‌ای با طرح دعوی کتاب جستجوی گوگل^۳ به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ دیجیتالی اهمیت بالایی یافت (Lu, 2012: 2). با طرح این دعوا در ایالات متحده آمریکا، در اروپا و سایر کشورها از جمله مجارستان، دانمارک، کانادا، هند و ژاپن توجه بیشتری به آثار ادبی و هنری مجهول داده شد. از این‌رو، در حال حاضر ایجاد راه حل جهت حل مسأله آثار ادبی و هنری مجهول به چالشی برای کشورها تبدیل شده است.

تاکنون رویکردهای قانونی متعددی با ماهیت‌های متفاوت جهت رسیدگی و حل مسأله آثار ادبی و هنری مجهول در چندین کشور اتخاذ شده است (De Beer & Bouchard, 1-40: 2009). به‌عنوان مثال در کره جنوبی به‌موجب بند ۱ ماده ۵۰ قانون حق ادبی و هنری، اگر مصرف‌کنندگان علی‌رغم تلاش معقول نتوانند صاحب حق ادبی و هنری را شناسایی و پیدا کنند، می‌توانند از وزیر فرهنگ و ورزش و گردشگری کره درخواست صدور مجوز اجباری بهره‌برداری از اثر ادبی و هنری مجهول را بکنند، مشروط بر اینکه حق امتیاز تعیین‌شده از قبل را به کمیسیون حق ادبی و هنری کره پرداخت کنند^۴ (Ash, 2018: 30). ژاپن نیز در ماده ۶۷ قانون ادبی و هنری خود سیستم صدور مجوزهای اجباری را اتخاذ کرده است (Goldenfein & Hunter, 2017: 33) که به‌موجب آن مصرف‌کنندگانی که علی‌رغم انجام جستجوی معقول نتوانسته‌اند صاحب حق ادبی و هنری را شناسایی و پیدا کنند، می‌توانند جهت بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول از شورای فرهنگ، صدور مجوز اجباری را درخواست کنند^۵ (Favale et al, 2013: 42). در سال ۲۰۱۳ بریتانیا نیز به‌طور عمده علاوه بر سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر یک سیستم ترخیص برای بهره‌برداری از برخی آثار خاص از طریق اصلاح قانون ادبی و هنری، طرح‌های صنعتی و ثبت اختراعات سال ۱۹۸۸ را به تصویب رساند (Pallante, 2015: 27; Hansen et al, 2013: 2-3; Rosati, 2013: 18-19).

به‌طور کلی همانطور که ملاحظه می‌شود راه‌حل‌های مختلفی برای مشکل آثار ادبی و هنری مجهول وجود دارند. منتهی سه رویکرد برجسته که بیشترین توجه را کسب کرده‌اند، عبارتند از: ۱- سیستم صدور مجوزهای اجباری؛ ۲- سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر؛ ۳- روش محدودیت در مسؤلیت (Rod Spires & Rooke, 2013: 20).

بر این اساس پژوهش حاضر به چهار بخش کلی تقسیم می‌شود که راه‌حل‌های موجود کشورهای کانادا، ایالات متحده آمریکا و دانمارک را بررسی می‌کند. در هر بخش مزایا و معایب هر یک از این رویکردهای موجود مورد بحث قرار می‌گیرد تا بتوان

^۴- Korean Copyright Act, s 5. A 50.

^۵- Japan Copyright Act, s 8.A 67.

^۱- Orphan Works

^۲- Orphan Works Problem

^۳- Google Book Search Case

بهموجب بند ۲ ماده ۷۷ قانون مورد اشاره، صدور و اعطای مجوز بهره‌برداری، از آثار ادبی و هنری مجهول تحت شرایط و ضوابطی است که هیأت حق ادبی و هنری کانادا آن‌ها را تعیین می‌کند. در واقع هیأت حق ادبی و هنری کانادا نهاد نظارتی اقتصادی است که به‌طور قانونی یا بنا به درخواست شخص ثالث، حق امتیاز و شرایط بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول را تعیین می‌کند. همچنین صلاحیت صدور مجوز غیرانحصاری در صورت مجهول‌ال‌مکان بودن صاحب حق ادبی و هنری اثر را دارد (Gervais, 2005: 5-15). به عبارت دیگر به‌موجب روشی که کانادا اتخاذ کرده است، باید برای هیأت ادبی و هنری کانادا ثابت شود که متقاضی مجوز بهره‌برداری، قبل از صدور مجوز، جستجو و تلاش معقول برای یافتن صاحب حق ادبی و هنری اثر انجام داده است.

در این روش مصرف‌کننده می‌تواند با ارائه یک درخواست، مجوز بهره‌برداری از چندین اثر ادبی و هنری مجهول را تقاضا کند. همچنین متقاضی ضرورتی ندارد برای هیأت حق ادبی و هنری مورد اشاره ثابت کند که تمام اقدامات لازم را جهت پیدا کردن صاحب حق ادبی و هنری اثر انجام داده است، بلکه همین که ثابت کند جستجوی کاملی در این باره انجام داده، کافی است (Van Eechoud & Mireille, 2009: 283-284; Andersdotter et al, 2018: 2). بر این اساس اگر هیأت حق ادبی و هنری کانادا متقاعد شود، متقاضی علی‌رغم تلاش‌های معقولی که انجام داده، نتوانسته است صاحب حق ادبی و هنری اثر را بیابد، صرف‌نظر از منشأ داخلی یا خارجی اثر، مجوز بهره‌برداری از اثر مورد نظر را به‌صورت غیرانحصاری و محدود به قلمرو جغرافیایی کانادا صادر می‌کند (Favale et al, 2013: 32-37).

علاوه بر این، باتوجه به قاعده کلی در مجوزهای اجباری، اگرچه متقاضی بهره‌برداری از اثر ادبی و هنری مجهول در صورت عدم شناسایی صاحب حق ادبی و هنری اثر، نیازمند کسب اجازه وی جهت بهره‌برداری از اثر مورد نظر نیست، لیکن همواره لازم است که حق امتیازی را در عوض بهره‌برداری از اثر ادبی و هنری مجهول به مقدار تعیین‌شده توسط هیأت حق ادبی و هنری کانادا پرداخت کند. به عبارت دیگر، در مجوزهای بهره‌برداری، حق امتیاز و شرایط آن باید تعیین شود، بدین معنا که نرخ حق امتیاز باید طوری تعیین شود که معادل نرخ حق

راهکاری برای حل مشکل آثار ادبی و هنری مجهول در ایران ارائه کرد.

بنابراین ابتدا در بخش اول وضعیت آثار ادبی و هنری مجهول در کانادا، سیستم صدور مجوزهای اجباری و مزایا و معایب آن، سپس در بخش دوم وضعیت آثار ادبی و هنری مجهول در ایالات متحده آمریکا، روش محدودیت در مسئولیت و مزایا و معایب آن، در بخش سوم وضعیت آثار ادبی و هنری مجهول در دانمارک، سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر و مزایا و معایب آن و در بخش چهارم نیز وضعیت آثار ادبی و هنری مجهول در قوانین موضوعه ایران و فقه امامیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- آثار ادبی و هنری مجهول در کانادا

در کانادا طبق ماده ۷۷ قانون حق ادبی و هنری (اصلاح‌شده در سال ۱۹۸۸) آثار ادبی و هنری مجهول TTF به رسمیت شناخته شده است. باتوجه به این ماده در صورتی که صاحب حق ادبی و هنری آثار، مجهول‌ال‌مکان باشد، این قبیل آثار، به‌عنوان آثار ادبی و هنری مجهول در نظر گرفته می‌شوند. در کانادا مصرف‌کنندگان می‌توانند از هیأت حق ادبی و هنری کانادا تقاضای استفاده از آثار ادبی و هنری مجهول را در قالب صدور مجوزهای اجباری^۲ درخواست کنند (De Beer & Bouchard, 2009: 217; Hansen et al (b), 2013: 39-40). در واقع به‌موجب این روش بدون اطلاع و اجازه صاحب حق ادبی و هنری مجوز بهره‌برداری مورد نظر از طریق هیأت حق ادبی و هنری کانادا صادر می‌شود (Tengchiew, 2011: 38). با وجود این، مصرف‌کننده باید تلاش و جستجوی معقولی برای یافتن و شناسایی صاحب حق ادبی و هنری اثر جهت کسب اجازه از وی انجام دهد. در صورت عدم شناسایی و یافتن صاحب حق مورد اشاره، باید مجهول‌الهویه و یا مجهول‌ال‌مکان بودن وی را برای هیأت ادبی و هنری کانادا ثابت کند. در صورت اثبات، هیأت مذکور منطبق با اهداف بهره‌برداری مورد نظر مصرف‌کننده با تعیین شرایط چگونگی بهره‌برداری و همچنین تعیین حق امتیاز، مجوز بهره‌برداری از اثر را به‌صورت موردی صادر می‌کند (De Beer & Bouchard, 2009: 219-222).

^۱- Copyright Board of Canada

^۲- Compulsory License

۴- در سیستم کانادایی بررسی موردبه‌مورد انجام می‌شود. به این معنا که هر اثر به‌صورت مستقل مستلزم درجات مختلفی از جستجو است.

۵- حسن نیت متقاضی مجوز بهره‌برداری از سوی یک مقام عمومی مستقل ارزیابی و تأیید می‌شود که ضمن توجه به منافع و نیازهای متقاضی، به منافع قانونی و مشروع صاحب حق ادبی و هنری آثار ادبی و هنری مجهول نیز توجه دارد (Dahlberg, 2011: 48).

۲-۱- معایب سیستم صدور مجوزهای اجباری

علاوه بر اینکه سیستم صدور مجوزهای اجباری کانادا، از مزیت‌های بسیاری برخوردار است، خالی از اشکال نبوده و ایراداتی به شرح زیر متوجه آن است:

۱- سیستم کانادایی در عمل نتوانسته امکان دسترسی به آثار ادبی و هنری مجهول را فراهم کند. تقریباً از سال ۱۹۹۰ تاکنون، موارد صدور مجوزهای اجباری به ۳۰۰ مورد نرسیده است. در واقع تحلیل آماری دی بیر و بوچارد^۱ نشان داده است که از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ هر سال ۴ مجوز، از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۴ سالانه ۱۵ مجوز و از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ هر سال تقریباً ۲۳ مجوز مورد تأیید هیأت ادبی و هنری کانادا قرار گرفته و صادر شده است (Tengchiew, 2011: 50; Dahlberg, 2011: 40).

۲- مانع عملی دیگری که در این سیستم وجود دارد، این است که در حال حاضر اکثر کشورها زیرساخت‌های قانونی را برای ایجاد سیستم کانادایی ندارند، بدین معنا که در اکثر کشورها، هیأت حق ادبی و هنری یا دادگاه حقوقی وجود ندارد تا بتواند وظایف سیستم صدور مجوز بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول را ایفا کند. باوجود این، ممکن است در چنین مواردی این وظیفه را به یک دادگاه یا مقام دولتی موجود محول کرد.

۳- آثار ادبی و هنری مجهول در ایالات متحده آمریکا: مسأله آثار ادبی و هنری مجهول چندین سال است که در ایالات متحده آمریکا به یک چالش بزرگی تبدیل شده است. این مسأله در سال ۲۰۰۴ الی ۲۰۰۵ زمانی که گوگل به دیجیتالی کردن تعداد قابل توجهی از آثار ادبی و هنری و بهره‌برداری از آن‌ها در پروژه جستجوی کتاب خود اقدام نمود،

امتیاز معاملات در فرض وجود و کسب اجازه از صاحب حق ادبی و هنری اثر باشد. این حق امتیاز معمولاً به‌طور مستقیم به انجمن گردآورنده‌ای که نماینده صاحبان آن نوع اثر است، پرداخت می‌شود، هرچند در برخی موارد ممکن است متقاضی مجوز بهره‌برداری مکلف شود مبلغ حق امتیاز را در یک حساب امانی یا یک صندوق امانتی تودیع کند (Van Eechoud & Mireille, 2009: 284-285)، بدین صورت که اگر بعدها صاحب حق ادبی و هنری اثر شناسایی و پیدا شود، می‌تواند مبلغ حق امتیاز را دریافت کند. باوجود این، چنانچه بعد از گذشت مدت زمان ۵ ساله از تاریخ انقضای مجوز، صاحب حق ادبی و هنری مورد اشاره شناسایی و پیدا نشود مبلغ حق امتیاز برای اهداف دیگری صرف می‌شود (Ash, 2018: 29).

۱-۱- مزایای سیستم صدور مجوزهای اجباری

سیستم صدور مجوزهای اجباری کانادا برای حل و مقابله با مسأله آثار ادبی و هنری مجهول مزایای خاص و متعددی به شرح زیر دارد:

۱- مهم‌ترین مزیت این سیستم آن است که تحت مجوز اجباری، بهره‌برداری قانونی و مجاز از آثار ادبی و هنری مجهول ممکن می‌شود، بدین ترتیب که مصرف‌کننده در صورت ظهور و پیداشدن صاحب حق ادبی و هنری اثر، بدون ترس و نگرانی از قرارگرفتن در یک دعوای نقض، از آثار مذکور بهره‌برداری و از قانونی‌بودن بهره‌برداری خود اطمینان حاصل می‌کند. بر این اساس، با اطمینانی که این سیستم به مصرف‌کننده جهت بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول می‌دهد، به‌طور قابل توجهی دسترسی به این آثار را افزایش داده است (Tengchiew, 2011: 48).

۲- میان مصرف‌کنندگان و صاحبان آثار ادبی و هنری مجهول تعادل برقرار می‌کند، بدین معنا که ضمن حفظ منافع مشروع صاحبان حق، امکان بهره‌برداری از این آثار برای مصرف‌کنندگان فراهم می‌شود.

۳- مجوز بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول در این سیستم محدود است، بدین معنا که تنها برای یک مصرف‌کننده مشخص و یک بهره‌برداری خاص صادر می‌شود.

¹ - De Beer and Bouchard

کمتری محکوم خواهد شد. به عبارت دیگر، به موجب این روش، به مصرف‌کنندگان با حسن نیتی که علی‌رغم انجام تلاش و جستجوی معقول و متعارف موفق به شناسایی و یا پیدا کردن صاحب حق ادبی و هنری اثر نشده‌اند، اجازه داده می‌شود بدون نیاز به کسب اجازه از مقام و یا مرجع خاصی از اثر ادبی و هنری بهره‌برداری کنند. با این حال، مصرف‌کنندگان مذکور همچنان در معرض خطر طرح دعوی احتمالی نقض از جانب صاحب حق ادبی و هنری قرار دارند، لیکن دارای این امتیاز هستند که در صورت طرح دعوا میزان خسارت کمتر و محدودتری از خسارت تعیین‌شده در دعوی معمولی پرداخت کنند. بر این اساس، برای اینکه مصرف‌کننده قادر به بهره‌مندی و استفاده از این امتیاز باشد، باید انجام تلاش و جستجوی معقول و متعارف خود را جهت شناسایی و پیدا کردن صاحب حق ادبی و هنری ثابت کند. علاوه بر این، در صورت دسترسی‌داشتن و شناسایی هویت صاحب حق مورد اشاره، بهره‌بردار مکلف است حق معنوی انتساب اثر را رعایت کند (Van Eechoud & Mireille, 2009: 288-289).

۱-۳- مزایای روش محدودیت در مسؤولیت

همانند سیستم صدور مجوزهای اجباری کانادا، روش محدودیت در مسؤولیت ایالات متحده آمریکا، برای حل و مقابله با مشکل آثار ادبی و هنری مجهول دارای مزایای خاصی است، از جمله:

۱- برای مصرف‌کنندگان آثار ادبی و هنری مجهول بسیار سودمند و اطمینان‌بخش است، بدین معنا که در صورت طرح دعوا، میزان خسارتی که باید پرداخت شود محدودتر و کمتر از خسارت تعیین‌شده در دعوی معمولی است.

۲- منافع صاحبان حق ادبی و هنری آثار تزییع نمی‌شود، بدین ترتیب که در صورت ظهور صاحبان حق مذکور، مابه‌ازا یا خسارت معقول و متعارفی متناسب با شیوه بهره‌برداری از اثر به آن‌ها پرداخت خواهد شد. در این حال، ضمن حفظ منافع صاحبان حق، مصرف‌کنندگان را با دعوی حقوقی و یا مجازات کیفری غافل‌گیر نمی‌کند.

۳- حقوق معنوی صاحبان آثار به‌خوبی حفظ می‌شود، بدین معنا که در صورت دسترسی‌داشتن و شناسایی هویت صاحب حق ادبی و هنری، مصرف‌کننده مکلف است حق معنوی انتساب اثر را رعایت کند.

اهمیت فراوانی یافت (Favale et al, 2013: 13). گوگل در پروژه‌های اقدام به دیجیتالی کردن تعداد زیادی آثار ادبی و هنری کرد که در نتیجه آن عموم به راحتی به این اسناد دسترسی یافتند (Sullivan, 2011: 5; Picker, 2012: 1266). این امر نارضایتی تعداد زیادی از صاحبان حق ادبی و هنری را به دنبال داشت.

در سال ۲۰۰۵ صاحبان آثار مذکور، از این جهت که اقدام گوگل منجر به نقض بسیار گسترده حق ادبی و هنری آن‌ها شده است، اقدام به طرح دعوا علیه گوگل کردند. در نهایت در سال ۲۰۰۸ این دعوا به سازش خاتمه یافت و به موجب آن قراردادی منعقد شد که طبق آن گوگل می‌تواند آثار ادبی و هنری غیرچاپی و آثار ادبی و هنری مجهول را دیجیتالی کند، منتهی باید مابه‌ازایی را به دفتر ثبت حق ادبی و هنری ایالات متحده آمریکا پرداخت نماید (Lang, 2010: 115-150; Lessig, 2008; Dahlberg, 2011: 6; Man Singh, 2011: 6; De Beer, 2012: 350; Lüder, 2010: 7).

پس از آن و با درخواست دو تن از سناتورهای آمریکا از دفتر حق ادبی و هنری در سال ۲۰۰۶، به این مسأله به‌طور جدی و عملی پرداخته شد و برای اولین بار راه‌حلی تحت عنوان محدودیت در مسؤولیت^۱ توسط دفتر مزبور ارائه شد (Band, 2016: 3-4; Hansen et al (b), 2013: 31-32; Suthersanen, 2018: 9). پس از گزارش ۲۰۰۶ دفتر حق ادبی و هنری آمریکا، لوایح متعددی در خصوص آثار ادبی و هنری مجهول در ایالات متحده آمریکا تهیه شده است، بدین ترتیب که در سال ۲۰۰۸ دو لایحه قانونی جدید و کامل‌تری تحت عنوان «لایحه قانونی آثار ادبی و هنری مجهول^۲ و لایحه قانونی آثار ادبی و هنری مجهول شان بنتلی^۳» توسط مجلس نمایندگان و سنای آمریکا ارائه شد (Dahlberg, 2011: 32; Favale et al, 2013: 11;) (Dahlberg, 2011: 32-34).

به موجب روش محدودیت در مسؤولیت مندرج در دو لایحه مذکور، اگر مصرف‌کننده قبل از بهره‌برداری از اثر ادبی و هنری مجهول، تلاش و جستجوی معقول و متعارفی جهت یافتن صاحب حق ادبی و هنری اثر انجام دهد، به جبران خسارت

^۱ - Limitation on Remedies

^۲ - Orphan Works Act 2008

^۳ - Shawn Bentley Orphan Works Act 2008

۴-۱- معایب روش محدودیت در مسؤولیت

هرچند که روش محدودیت در مسؤولیت آمریکا، مزایا و امتیازات خاص خود را دارد، خالی از اشکال نبوده و ایرادتی به شرح زیر بر آن وارد است:

۱- با در نظر گرفتن هزینه‌هایی که مصرف‌کنندگان در روش محدودیت در مسؤولیت، از قبیل هزینه نگهداری سوابق جستجو و ارزیابی احتمالی ادعاهای آینده و همچنین هزینه‌هایی که در صورت پیداشدن صاحب حق و ادعای نقض از جانب او مانند هزینه‌های دادرسی و پرداخت غرامت، متحمل می‌شوند، این راهکار ممکن است بسیار پرهزینه باشد.

۲- شاید مهم‌ترین ایراد روش محدودیت در مسؤولیت را مشروعیت نقض حق ادبی و هنری توسط مصرف‌کننده در بهره‌برداری از اثر ادبی و هنری مجهول دانست (Tengchiew, 2011: 75)، بدین‌معنا که برخلاف سیستم صدور مجوزهای اجباری کانادایی که یک راهکار قانونی فراهم می‌کند، روش ایالات متحده آمریکا همراه با یک نقض است، زیرا به‌موجب این روش به مصرف‌کنندگان با حسن نیتی که علی‌رغم انجام تلاش و جستجوی معقول و متعارف موفق به شناسایی و یا پیدا کردن صاحب حق ادبی و هنری اثر نشده‌اند، اجازه داده می‌شود، بدون نیاز به کسب اجازه از مقام و یا مرجع خاصی از اثر ادبی و هنری بهره‌برداری کنند. با وجود این، مصرف‌کنندگان مذکور همچنان در معرض خطر طرح دعوای احتمالی نقض از جانب صاحب حق ادبی و هنری قرار دارند. همین امر برای ناامید کردن مصرف‌کنندگان جهت بهره‌برداری از اثر ادبی و هنری مجهول کافی است و در نتیجه ممکن است این روش برخلاف پیش‌بینی‌های به‌عمل‌آمده، عملکرد مطلوب نداشته باشد.

۳- روش محدودیت در مسؤولیت نمی‌تواند برای سایر کشورها مناسب باشد، چراکه در حقوق ایالات متحده آمریکا خسارت قابل پرداخت بیشتر جنبه تنبیهی و کیفری دارد، بدین‌معنا که مبلغ آن بیش از میزان خسارتی است که در عمل صاحب حق ادبی و هنری اثر متحمل شده است (Van Eechoud & Mireille, 2009: 292)، درحالی‌که در سایر کشورها، از جمله کشورهای اروپایی و ایران خسارت جنبه ترمیمی دارد و حداکثر به میزان حق امتیاز تعیین می‌شود (صاحب، ۱۳۹۴: ۴۲).

۲- آثار ادبی و هنری مجهول در دانمارک

در قانون حق ادبی و هنری دانمارک برای مقابله و حل مسأله آثار ادبی و هنری مجهول سیستم صدور مجوزهای فراگیر^۱ در نظر گرفته شده است. به‌موجب این سیستم، مفاد قرارداد میان انجمن‌های گردآورنده و صاحبان حق ادبی و هنری اثر، نسبت به سایر اشخاصی که طرف قرارداد نبوده‌اند نیز اعمال می‌شود (Khong, 2006: 78)، بدین‌معنا که انجمن‌های گردآورنده، نه‌تنها از طرف اعضای خود اقدام می‌کنند، بلکه اختیار دارند تا مجوز بهره‌برداری از سایر آثار مشابه موجود در انجمن را بدون اینکه قراردادی با صاحبان حق ادبی و هنری آن‌ها منعقد کرده باشند، به دیگران واگذار کنند. علاوه بر این در این سیستم، مجوزهای جمعی مورد اشاره فراگیر بوده و به‌خودی‌خود نسبت به تمام آثار ادبی و هنری موجود در آن حوزه، اعم از داخلی یا خارجی اعمال می‌شوند (Olsson, 2005; Hugenholtz et al, 2006: 183; Ringnalda, 2011: 8; Andersdotter, 2016: 17-18). همچنین برای حفظ منافع صاحبان حق ادبی و هنری آثار، عضویت در انجمن‌های گردآورنده اختیاری بوده و مصرف‌کنندگان می‌توانند از عضویت در آن‌ها منصرف شوند و شخصاً به مدیریت حقوق خود بپردازند. به‌عبارت‌دیگر، اگر صاحبان حق ادبی و هنری مایل به عضویت در انجمن‌های گردآورنده و شرکت در سیستم صدور مجوز جمعی فراگیر نباشند، قانون حق ادبی و هنری دانمارک این امکان را برای آن‌ها فراهم خواهد کرد که یا مابه‌ازا و حق امتیاز مطالبه کنند و یا از سیستم به‌طور کامل خارج شوند که در صورت انتخاب راه اخیر، منطقی‌تر تحت پوشش سیستم صدور مجوز جمعی فراگیر نخواهند بود (Dahlberg, 2011: 41-43).

در سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر باتوجه به وجود تعداد بسیار بالای پدیدآورندگان و صاحبان حق ادبی و هنری در انجمن‌های گردآورنده، مصرف‌کنندگان احتمالی در آینده با مشکلات کمتری جهت شناسایی و پیدا کردن صاحب حق ادبی و هنری اثر مورد نظرشان مواجه خواهند شد، زیرا در جایی که انجمن‌های گردآورنده با تعداد قابل‌توجهی از پدیدآورندگان و صاحبان حق ادبی و هنری تشکیل می‌شوند، احتمال زیادی وجود دارد که انجمن‌های مذکور نماینده صاحب حق ادبی و هنری اثری باشند که مصرف‌کننده به‌دنبال پیدا کردن وی است. منتهی، در صورتی‌که این انجمن‌ها نماینده صاحب حق نباشند،

^۱ - Extended Collective License

۲-۱- مزایای سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر

استفاده از سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر جهت مقابله با مشکل آثار ادبی و هنری مجهول نیز مزایای متعددی به شرح زیر دارد:

۱- مزیت عمده سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر این است که یک راه‌حل قانونی برای مشکل آثار ادبی و هنری مجهول فراهم می‌کند، بدین معنا که به‌طور قابل‌توجهی تجویز حقوق را تسهیل می‌کند، زیرا مصرف‌کننده به‌موجب آن حق دریافت مجوز قانونی برای بهره‌برداری از تمام آثار مشابه در انجمن گردآورنده، حتی آثاری که صاحبان حق ادبی و هنری آن‌ها از جانب انجمن‌های مذکور نمایندگی نشده‌اند را دارد (Hugenholtz et al, 2006: 183-184). بنابراین با از بین بردن مسؤلیت احتمالی نقض حقوق صاحبان حق ادبی و هنری مجهول الهویه و مجهول‌المان، مصرف‌کننده می‌تواند بدون دغدغه و با اطمینان بیشتری از آثار ادبی و هنری مجهول بهره‌برداری کند.

۲- در سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر دانمارک، بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول به سرعت افزایش پیدا می‌کند، بدین ترتیب که اگرچه صاحبان حق ادبی و هنری آثار نمی‌توانند شناسایی و پیدا شوند، انجمن‌های گردآورنده به‌موجب قانون مجاز شمرده می‌شوند که حقوق انحصاری صاحبان حق ادبی و هنری مورد اشاره را مدیریت کنند و به نمایندگی از آن‌ها از طریق مذاکره و در قالب یک مجوز بهره‌برداری اجازه بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول را به مصرف‌کنندگان صادر کنند (Van Gompel, 2007: 5)، در نتیجه این سیستم از سویی منجر به افزایش و تسهیل دسترسی مصرف‌کنندگان به آثار مذکور می‌شود و از سوی دیگر باعث می‌شود که باوجود ارزش بالای آثار ادبی و هنری مجهول، این آثار متروک و بدون استفاده باقی نمانند.

۳- در این سیستم برای حفظ منافع صاحبان حق ادبی و هنری آثار، عضویت در انجمن‌های گردآورنده اختیاری بوده و مصرف‌کنندگان می‌توانند از عضویت در آن‌ها منصرف شوند و شخصاً به مدیریت حقوق خود بپردازند، بدین ترتیب اگر صاحبان حق ادبی و هنری آثار ادبی و هنری مجهول ظاهر شوند و مایل به شرکت در سیستم صدور مجوز جمعی فراگیر نباشند، می‌توانند از عضویت آن خارج شوند. در صورت خارج شدن نیز

مصرف‌کننده همچنان ممکن است با عدم اطمینان و تردید قابل‌توجهی مواجه شود و در بالاترین سطح به‌سربرد (Van Gompel, 2007: 4). با این حال لازمه اعمال سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر این است که انجمن طرف قرار داد، نماینده و قائم مقام تعداد قابل‌توجهی از پدیدآورندگان و صاحبان حق ادبی و هنری آثار در آن حوزه باشد (صاحب، ۱۳۹۴: ۳۵).

سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر تقریباً سال ۱۹۶۰ در کشورهای اروپای شمالی، از جمله فنلاند، ایسلند، نورژ و سوئد نسبت به آثار موسیقی جهت بهره‌برداری در برنامه‌های رادیو و تلویزیونی به‌کار برده می‌شد (Tengchiew, 2011: 50). این سیستم یک راه‌حل پیشرفته‌ای برای مدیریت جمعی حقوق ادبی و هنری صاحبان آثار فراهم می‌کرد و به‌عنوان نظام حد فاصل مجوزهای اجباری و مجوزهای جمعی سنتی تلقی می‌شد (Riis & Schovsbo, 2010: 2).

سیستم صدور مجوزهای جمعی مورد اشاره نیز به‌تدریج در میان کشورهای اروپای شمالی برای ترویج بهره‌برداری غیرتجاری مؤسسات آموزشی و غیرانتفاعی گسترش قابل‌توجهی پیدا کرد، چنانچه دانمارک سیستم صدور مجوزهای جمعی خود را در سال ۱۹۷۰ برای یک عده خاص از مصرف‌کنندگان منتخب معرفی کرد (Rod Spires & Rooke, 2013: 16).

هرچند سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر در ابتدا برای بهره‌برداری در برخی استفاده‌های انبوه مانند برنامه‌های رادیو و تلویزیونی طراحی شده و به‌طور خاص جهت حل مشکل آثار ادبی و هنری مجهول تهیه نشده بود (Rod Spires & Rooke, 2013: 16؛ صاحب، ۱۳۹۴: ۳۵)، در حال حاضر سیستم صدور مجوزهای جمعی بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول توسط دولت و قانون ادبی و هنری دانمارک به‌عنوان سیستم کارآمدی شناخته شده است (Janssens & Tryggvadóttir, 2014: 36-37) که برای حل مشکل آثار ادبی و هنری مجهول و تضمین منافع و حقوق صاحبان حق ادبی و هنری کافی بوده و در عمل باعث تخفیف این مشکل در دانمارک شده است.

باید پیشرفته و دارای مهارت‌های لازم در برخورد با نوع خاص آثار ادبی و هنری موضوع مجوز، جمع‌آوری حق امتیاز و توزیع عادلانه آن میان صاحبان حق ادبی و هنری آثار باشند، لیکن از آنجایی که بسیاری از کشورها از چنین انجمن‌های پیشرفته‌ای برخوردار نیستند، سیستم دانمارکی نمی‌تواند راه حل مناسبی برای مقابله با مشکل آثار ادبی و هنری مجهول در این کشورها باشد (Tengchiew, 2011: 61).

۳- آثار ادبی و هنری مجهول در ایران

در نظام فعلی حقوق ادبی و هنری ایران در زمینه آثار ادبی و هنری مجهول مقرر خاصی مشاهده نمی‌شود و تنها ماده ۱۲ اصلاحی قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸، مقرر کرده است اگر مؤلفی اثری را ایجاد و فوت کند و ورثه و وصی نداشته باشد، اثر وی برای ۵۰ سال به‌منظور استفاده عمومی در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه) قرار می‌گیرد. منتهی در این وضعیت، اثر مجهول تلقی نمی‌شود، بلکه صرفاً قائم‌مقامان مؤلف حضور ندارند که در نتیجه اثر در اختیار حاکم اسلامی قرار می‌گیرد (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۷۶-۱۷۵).

بنابراین به‌دلیل عدم پیش‌بینی مقرر خاصی برای حل مشکل آثار ادبی و هنری مجهول در قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ و دیگر قوانین حقوق مالکیت فکری، برای یافتن راه‌حل برای این مشکل در نظام حقوقی ایران باید به قواعد عمومی مقرر در قانون مدنی، از جمله ماده ۲۸ فصل اول باب چهارم در اشیای پیداشده و ماده ۳ قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن مصوب ۱۳۷۰ مراجعه شود.

ماده ۲۸ قانون مدنی مقرر می‌کند: «اموال مجهول‌المالک با اذن حاکم یا مأذون از قبل او به مصارف فقرا می‌رسد.» از این ماده به روشنی استنباط می‌شود که در صورت مجهول‌المالک بودن یک مال خاص، آن مال به‌دلیل مجهول‌الیه بودن صاحب آن، وارد قلمرو عمومی شده و بنا به تشخیص حاکم به مصرف فقرا می‌رسد (صاحب، ۱۳۹۴: ۴۲). به‌موجب ماده ۳ قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن مصوب ۱۳۷۰ نیز: «اموال مجهول‌المالک، بلاصاحب (به استثنای اموال قاچاق بلاصاحب و صاحب متواری)، ارث بلاوارث و اموالی که از باب تخمیس، خروج از ذمه و اجرای اصل چهل‌ونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیگر قوانین در اختیار ولی فقیه (حاکم)

صدمه و آسیبی به حقوق انحصاری و منافع اقتصادی آن‌ها نخواهد رسید. درواقع اگرچه سیستم دانمارکی، یک سیستم صدور مجوز قانونی است، منتهی اختیار کنترل بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری را از صاحبان حق ادبی و هنری این آثار سلب نمی‌کند (Riis & Schovsbo, 2010: 2).

۲-۲- معایب سیستم صدور مجوزهای جمعی دانمارک

سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر دانمارک علی‌رغم مزایای متعددی که دارد، در عمل با مشکلاتی مواجه بوده و ایراداتی به شرح زیر به آن وارد شده است:

۱- سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر جذابیت چندانی برای سایر کشورها ندارد، زیرا سیستم مذکور در کشورهای اروپای شمالی برخاسته از قراردادهای جمعی کار است که هم از ریشه اجتماعی و فرهنگی قوی و هم وفاداری شدید مردم به این نوع قراردادها برخوردار است، درحالی‌که در سایر کشورها چنین نیست (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۷۴).

۲- از آنجایی که عملکرد سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر به‌طور کلی بستگی به انعقاد قرارداد با انجمن‌های گردآورنده دارد، باید در حوزه‌هایی که مشکل آثار ادبی و هنری مجهول در آن‌ها از شدت بیشتری برخوردار باشد، انجمن‌های فعالی وجود داشته باشند. با این حال این شرط همواره در عمل فراهم نیست، به‌خصوص برای آثاری مانند آثار سمعی و بصری، مدیریت جمعی حقوق برای صاحبان حق ادبی و هنری این آثار در حال حاضر جذابیت چندانی ندارد و در میان آن‌ها گسترش نیافته است. علاوه بر این صاحبان حق ادبی و هنری آثار مذکور معمولاً مایل به اداره جمعی حقوق خود نیستند و به‌طور کلی ترجیح می‌دهند که خودشان حقوق خود را به‌صورت فردی مدیریت و اجرا کنند (صاحب، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۵). باوجود این حتی اگر انجمن‌های مذکور ایجاد شوند، ممکن است مذاکرات طرفین با موفقیت صورت نگیرد یا شرایط مذاکره طوری باشد که هیچ مصرف‌کننده‌ای حاضر به انعقاد قرارداد نشود (Hugenholtz et al, 2006: 184).

۳- در سیستم دانمارکی برای حفظ حقوق و منافع اقتصادی صاحبان حق ادبی و هنری مجهول‌الیه و مجهول‌المکان و در عین حال برای تسهیل بهره‌برداری و دسترسی به آثار ادبی و هنری مجهول برای مصرف‌کنندگان، انجمن‌های گردآورنده

ساقط می‌شود.» علاوه بر این در ماده ۱۶۴ این قانون نیز مقرر شده است: «تعریف اشیای پیداشده عبارت است از نشر و اعلان بر حسب مقررات شرعی به نحوی که بتوان گفت عادتاً به اطلاع اهالی محل رسیده است.» از این رو همان‌طور که ملاحظه می‌شود، به موجب این مواد اموال پیداشده یا به اصطلاح لقطه بر دو دسته‌اند:

دسته اول اشیایی که قیمت آن کمتر از یک‌درهم که وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره (نیم‌مثقال و یک‌پنجم‌مثقال شرعی) است؛ دسته دوم اشیایی که قیمت آن یک‌درهم که وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره یا بیشتر است. بر این اساس در مورد دسته اول یابنده می‌تواند آن اشیا را تملک کند، درحالی‌که در مورد دسته دوم یابنده مکلف است یک‌سال تعریف کند و در صورتی که در این مدت صاحب مال را پیدا نکند، می‌تواند آن مال را به امانت نگاه دارد یا تصرف دیگری در آن بکند. منتهی اگر آن را به‌طور امانت نگاه دارد و بدون تقصیر او تلف شود، ضامن نخواهد بود (رزمی و نبی‌نیا، ۱۳۹۲: ۳۱).

مطابق با منابع فقهی نیز در صورتی که علی‌رغم تعریف در مدت یک‌ساله، صاحب مال پیدا نشود، یابنده میان چهار راه مخیر است:

- ۱- مال را تصرف کند، بدین معنا که هر وقت صاحب مال پیدا شود، عین یا عوض آن را به او بدهد (حائری، ۱۳۸۸: ۱۰-۴).
- ۲- مال را صدقه بدهد. به این قصد که اگر صاحب آن مال پیدا شود و صدقه را تنفیذ نکند، عوض آن را به وی بدهد.
- ۳- مال را نزد خود به‌عنوان امانت نگه دارد. در این صورت اگر مال بدون تقصیر او تلف شود، ضامن نخواهد بود.
- ۴- مال پیداشده را به حاکم اسلامی تسلیم کند (حائری، ۱۳۸۹: ۴۲-۶۶).

به‌طور کلی از نظر فقه امامیه هرگاه شخصی مال گم‌شده‌ای را پیدا کند، بهتر است آن را بر ندارد تا تکلیفی برعهده‌اش نباشد، مگر در صورتی که بر نداشتن مال موجب تلف آن شود (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۷۷). حکم این موضوع به صراحت در روایات متعددی بیان شده است، از جمله می‌توان به روایت شیخ صدوق از مسعده بن زیاد از امام صادق (ع) از امام علی (ع) اشاره کرد که فرمود: «ایاکم و اللقطه فانها ضاله المؤمن و هی حریق من حریق

است با اذن کلی ایشان در اختیار سازمان قرار می‌گیرد تا به‌طور جداگانه حسب دستور معظم‌له در جهت نگهداری، اداره و فروش آن‌ها اقدام نماید. پرداخت هر نوع وجهی از محل عواید حاصل از فروش و نیز هرگونه تصرف در این اموال موکول به اذن ولی فقیه یا نماینده خاص ایشان در تصرف این اموال خواهد بود.» منتهی در صورتی که حکم این دو ماده را به آثار ادبی و هنری مجهول تعمیم دهیم، حقوق صاحب حق ادبی و هنری کاملاً نفی می‌شود و صاحب حق به کل از حقوق مادی خود محروم می‌شود. در واقع راه حل مقرر در این دو ماده بسیار راه حل سختگیرانه و غیر عادلانه‌ای از دیدگاه صاحبان حق است، چراکه حقوق مادی صاحب اثر را نادیده گرفته و تنها به هدف مصرف‌کنندگان توجه کرده است. این در حالی است که هدف حقوق مالکیت فکری برقراری تعادل و حمایت از صاحبان آثار و مصرف‌کنندگان است، در نتیجه لازم است یک راه‌حلی ارائه شود که ضمن حفظ حقوق صاحبان آثار، زمینه را برای بهره‌برداری هرچه بیشتر از آثار ادبی و هنری مجهول فراهم سازد.

در فصل اول باب چهارم قانون مدنی در خصوص اشیای پیداشده نیز مواد ۱۶۲ تا ۱۶۹ به بحث اموالی پرداخته که صاحب آن مشخص نیست و شامل اشیای پیداشده است. در این میان، اگرچه آثار ادبی و هنری مجهول مورد نظر قانون‌گذار نبوده، ولی می‌توان از وحدت ملاک مطروح به‌خصوص مواد مربوط به اشیای پیداشده استفاده کرد و با دیدگاه نظام حقوقی ایران و فقه امامیه در مورد اموالی که صاحب آن مجهول‌الیه و مجهول‌المکان است، تطبیق داد (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۷۴). از این رو در زیر مطابق با نظام کنونی، اشیای پیداشده یا به اصطلاح اموال لقطه را شرح می‌دهیم:

به‌موجب ماده ۱۶۲ قانون مدنی: «هرکس مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از یک‌درهم که وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره باشد، می‌تواند آن را تملک کند.» به‌موجب ماده ۱۶۳ همان قانون نیز «اگر قیمت مال پیداشده، یک‌درهم که وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره یا بیشتر باشد، پیداکننده باید یک سال تعریف کند و اگر در مدت مزبور صاحب مال پیدا نشد، مشارالیه مختار است که آن را به‌طور امانت نگاه دارد یا تصرف دیگری در آن بکند، در صورتی که آن را به‌طور امانت نگاه دارد و بدون تقصیر او تلف شود، ضامن نخواهد بود.» در تبصره این ماده نیز مقرر شده است: «در صورتی که پیداکننده مال از همان ابتدا یا پیش از پایان مدت یک‌سال، علم حاصل کند که تعریف بی‌فایده است و یا از یافتن صاحب مال مأیوس گردد، تکلیف از او

۵- به حقوق معنوی و حقوق مادی و اقتصادی صاحب حق ادبی و هنری اثر در این مواد هیچ توجهی نشده است، بدین معنا که در صورت پیداشدن صاحب حق مذکور تنها حق دریافت عین و در صورت تلف شدن اثر عوض آن را دارد.

۶- تعیین ارزش آثار ادبی و هنری به سادگی میسر نیست و نیازمند نظر کارشناسی است، در حالی که مواد فوق هیچ گونه معیاری در این زمینه مقرر نکرده‌اند.

۴- مقایسه کلی راهکارهای سه گانه

با بررسی سه رویکرد متمایز سیستم صدور مجوزهای اجباری کانادا، سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر دانمارک و روش محدودیت در مسؤولیت ایالات متحده آمریکا، روشن شد که هدف هر سه رویکرد این است که ضمن حمایت و حفاظت از حقوق و منافع مادی و اقتصادی صاحبان حق ادبی و هنری آثار، زمینه دسترسی به آثار ادبی و هنری مجهول را برای مصرف‌کنندگان تسهیل کند. منتهی از آنجایی که در برخی موارد تفاوت و تمایزهایی در میان این سه رویکرد وجود دارد، باید با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها و تمایزها مناسب‌ترین و سازگارترین رویکرد با نظام حقوقی ایران پیشنهاد شود. به این ترتیب در این بخش راهکارهای مذکور از مواضع زیر مقایسه می‌شوند:

۴-۱- منافع صاحب حق

از آنجایی که سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر قبل از مذاکره و یا شروع بهره‌برداری از اثر ادبی و هنری مجهول مستلزم انجام هیچ‌گونه جستجویی نیست، احتمال شناسایی و پیداکردن صاحب حق ادبی و هنری در آن به شدت محدود شده است. علاوه بر این، با دادن اختیار تعیین حق امتیاز به انجمن‌های گردآورنده ممکن است منجر به سوءاستفاده انجمن‌های مذکور شود و در نتیجه نتواند به شکل مطلوب منافع صاحب حق ادبی و هنری را تأمین کند.

روش محدودیت در مسؤولیت ایالات متحده آمریکا نیز همانند سیستم دانمارکی به دلیل مشخص نبودن استانداردهایی برای جستجوی معقول قادر به تأمین منافع صاحب حق نیست.

سیستم صدور مجوزهای اجباری کانادا با تعیین استانداردهایی برای جستجوی معقول، احتمال پیداشدن صاحب حق را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، منجر به از بین رفتن و تضییع منافع

جهنم؛ پرهیز کنید از لقطه که گمشده مؤمن و آتشی از آتش دوزخ است» (حائری، ۱۳۸۷: ۳). در روایت معتبر دیگری، محمد بن مسلم در مورد لقطه از امام باقر (ع) سؤال کرده است و آن حضرت فرموده است: «لا ترفعها، فان ابتلیت بها فعرفها سنه...؛ آن را برندار، پس اگر با آن مبتلا شدی (آن را برداشتی)، یک سال آن را معرفی کن» (حائری، ۱۳۸۷: ۳۷).

با اینکه به نظر می‌رسد که طبق این مواد می‌توان مشکل آثار ادبی و هنری مجهول را حل کرد، لیکن از چند جهت این امکان فراهم نیست. زیرا:

۱- نمی‌توان تقسیم‌بندی اموال لقطه را در مورد آثار ادبی و هنری مجهول اعمال کرد، زیرا آثار ادبی و هنری مطابق با اصول کلی حق ادبی و هنری صرف نظر از ارزش آن‌ها از حمایت قانونی یکسانی برخوردار هستند (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۷۷).

۲- تملکی که در اموال لقطه صورت می‌گیرد را نمی‌توان در حقوق ادبی و هنری اعمال کرد، بدین ترتیب که به موجب حقوق ادبی و هنری انتقال این آثار فقط به موجب وراثت و مجوز صورت می‌گیرد و بهره‌برداری از آن‌ها تنها با کسب اجازه از صاحب حق ادبی و هنری امکان‌پذیر است. این در حالی است که مشکل آثار ادبی و هنری اساساً ناشی از عدم امکان کسب مجوز از صاحب حق ادبی و هنری مجهول الهویه و مجهول‌المکان اثر است.

۳- ممکن است با نگاه اول به ماده ۱۶۴ قانون مدنی به نظر برسد که بتوان واژه «تعریف» ذکر شده در این ماده را به عنوان جستجوی معقول (همانند کشورهای بررسی شده در فوق) در نظر گرفت، منتهی از آنجایی که معیار آن به شدت محدود به اطلاع اهالی محل است، نمی‌توان آن را به عنوان جستجوی معقول در نظر گرفت، چراکه حتی اگر فرض شود منظور از محله در این ماده کشور است، صاحب حق ادبی و هنری ممکن است در بیرون از کشور باشد.

۴- علاوه بر این، در تبصره ماده ۱۶۳ نیز قبل از شروع تعریف در صورت علم حاصل کردن یا مایوس شدن یابنده از یافتن صاحب مال، تکلیف تعریف از او ساقط می‌شود. منتهی هیچ مرجعی جهت ملزم کردن یابنده به اثبات این امر تعیین نشده است، در نتیجه راه را برای سوءاستفاده یابنده باز گذاشته است.

آثار مذکور، مزایای قابل توجهی را دربر دارد. منتهی از آنجایی که مهم‌ترین عنصر در این سیستم، وجود انجمن‌های گردآورنده کارآمد و پیشرفته با تجربیات و مهارت‌های جامع جهت اداره و کنترل بهره‌برداری مؤثر آثار ادبی و هنری است، به دلیل فقدان انجمن‌های گردآورنده مورد اشاره، نمی‌تواند راه حل مناسبی برای مقابله با مشکل آثار ادبی و هنری مجهول در کشور ایران باشد.

در روش محدودیت در مسؤلیت ایالات متحده آمریکا نیز، مسؤلیت مصرف‌کننده در بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول، در صورت پیداشدن صاحب حق ادبی و هنری و طرح دعوی نقض از جانب وی به پرداخت مابه‌ازاء معقول محدود می‌شود، اما از آنجایی که در حقوق ایالات متحده آمریکا خسارت قابل پرداخت بیشتر جنبه تنبیهی و کیفری دارد و مبلغ آن بیش از میزان خسارتی است که در عمل صاحب حق ادبی و هنری اثر متحمل شده است، نمی‌تواند راهکار خوبی برای حل مشکل آثار ادبی و هنری در کشور ایران باشد، زیرا در ایران خسارت جنبه ترمیمی دارد و حداکثر به میزان حق امتیاز تعیین می‌شود.

در ارتباط با سیستم صدور مجوزهای اجباری نیز در حال حاضر اکثر کشورها زیرساخت‌های قانونی را برای ایجاد آن ندارند، بدین معنا که در اکثر کشورها، هیأت حق ادبی و هنری یا دادگاه حقوقی وجود ندارد تا بتواند وظایف سیستم صدور مجوز بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول را ایفا کند. باوجود این، ممکن است در چنین مواردی این وظیفه را به یک دادگاه یا مقام دولتی موجود محول کرد.

نتیجه‌گیری

در قوانین موضوعه ایران به آثار ادبی و هنری مجهول به‌طور صریح یا ضمنی اشاره نشده است، درحالی‌که در اکثر کشورها از جمله کانادا، ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپایی شمالی، بریتانیا، ژاپن و ... به این آثار اهمیت و توجه بسیاری اعطا شده است و تحقیقات و مطالعات قابل توجه متعددی در این زمینه صورت گرفته است.

به‌طور کلی نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف، رویکردهای متنوعی برای حل مشکل آثار ادبی و هنری مجهول ارائه کرده‌اند. منتهی ریشه تمام رویکردهای آن‌ها در سه رویکرد

مشروع و قانونی صاحب حق نمی‌شود و به محض پیداشدن صاحب حق حقوق وی پرداخت می‌شود.

۴-۲- منافع مصرف‌کننده

از آنجایی که لازمه اجرایی سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر، عضویت در انجمن‌های گردآورنده است، ممکن است صاحب اثر عضو انجمن‌های مذکور نباشد، در نتیجه مصرف‌کننده همچنان از بهره‌برداری از اثر ناکام بماند. از این رو سیستم مذکور نمی‌تواند منافع مصرف‌کننده را تأمین کند.

روش محدودیت در مسؤلیت ایالات متحده آمریکا نیز از آنجایی که به مصرف‌کنندگان اجازه می‌دهد، بدون نیاز به کسب اجازه از مقام و یا مرجع خاصی، از اثر ادبی و هنری بهره‌برداری کنند، در واقع همراه با یک نقض است و مصرف‌کنندگان را همچنان در معرض خطر طرح دعوی احتمالی نقض از سوی صاحب حق ادبی و هنری قرار می‌دهد. علاوه بر این، در روش مذکور به دلیل مشخص نبودن استانداردهایی برای جستجوی معقول، وضعیت مصرف‌کننده با تصمیم قضایی رقم می‌خورد، در نتیجه قادر به تأمین منافع مصرف‌کننده نیست.

سیستم صدور مجوزهای اجباری کانادا مزایای قابل تأمل دارد. ویژگی برجسته این سیستم اعطای مجوز قانونی بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول است که توسط یک مقام دولتی تأیید شده است، بدین معنا که مصرف‌کننده در صورت پیداشدن صاحب حق ادبی و هنری، بدون ترس و نگرانی از قرارگرفتن در یک دعوی نقض، از آثار مذکور بهره‌برداری و از قانونی بودن بهره‌برداری خود اطمینان حاصل می‌کند. علاوه بر این، حسن نیت متقاضی مجوز بهره‌برداری از سوی یک مقام عمومی و دولتی مستقل ارزیابی و تأیید می‌شود که ضمن توجه به منافع و نیازهای متقاضی، به منافع قانونی و مشروع صاحب حق ادبی و هنری آثار مجهول نیز توجه دارد.

۴-۳- قابلیت اعمال در ایران

سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر دانمارک با تجویز قانونی صدور مجوزهای جمعی فراگیر برای بهره‌برداری از تمام آثار ادبی و هنری، از جمله آثار ادبی و هنری مجهول موجود در انجمن‌های گردآورنده و همچنین با ارائه فرایند کارآمد جهت جمع‌آوری مابه‌ازاء و حق امتیاز برای صاحبان حق ادبی و هنری

نگارش توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع: این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- حائری، سید کاظم (۱۳۸۷). «لقطه و مجهول المالک ۱». فقه اهل بیت، ۵۶: ۳۳-۵۹.

- حائری، سید کاظم (۱۳۸۸). «لقطه و مجهول المالک ۲». فقه اهل بیت، ۵۷: ۳-۳۶.

- حائری، سید کاظم (۱۳۸۹). «لقطه و مجهول المالک ۳». فقه اهل بیت، ۵۸: ۴۱-۶۶.

- حبیبیا، سعید (۱۳۹۱). «کاوشی در چالش‌های ناشی از آثار گمنام». فصلنامه حقوق پزشکی، ۶(ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری): ۱۶۱-۱۸۶.

- رزمی، محسن و نبی‌نیا، خالد (۱۳۹۲). «بررسی قاعده فقهی «من حاز ملکاً» در فقه و حقوق موضوعه ایران». فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۹(۳۱): ۱۱-۴۸.

- صاحب، طیبیه (۱۳۹۴). «دشواری‌های حقوقی حاکم بر بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری مجهول‌المالک». پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۹(۱): ۲۷-۵۰.

ب. منابع انگلیسی

- Andersdotter, K (2016). *A Single-Minded Market for Digital Assets?: Copyright Clearance of Orphan Works in the Digitisation Ecosystem*. Studentski Trg: Supervised Student Publication.

- Ash, T (2018). *Where Are All the Orphans? How Effective is Current Legislation in Enabling Cultural Heritage Institutions to Make Orphan Works Available Online?* PhD Diss, London: University of London

- Band, J (2016). *Thanks, but no Thanks: Evolving Library Perspectives on Orphan Works Legislation in the European Union and the United States*. Available at: <https://www.fairuseweek.org/wp-content/uploads/2016/02/2016.02.22-Band-ThanksButNoThanks.pdf>.

- Bezos, S (2007). "International Approaches to the Orphan Works Problem". *SSRN Electronic Journal*, 1-23.

سیستم صدور مجوزهای اجباری، سیستم صدور مجوزهای جمعی فراگیر و روش محدودیت در مسؤولیت خلاصه می‌شود.

از این رو با بررسی این سه رویکرد و با ملاحظه مزایا و ایرادات وارد بر هر یک از آنها، به نظر می‌رسد که رویکرد سیستم صدور مجوزهای اجباری کانادایی مناسب‌ترین راه‌حل برای حل مشکل آثار ادبی و هنری مجهول در ایران باشد.

به موجب این رویکرد مصرف‌کنندگان احتمالی مکلف هستند قبل از بهره‌برداری از اثر مورد نظر خود، اجازه مقام دولتی را کسب کنند. مصرف‌کنندگان مورد اشاره به شرط اثبات مجهول بودن اثر از طریق انجام یک جستجوی معقول و متعارف، رعایت حق معنوی صاحب اثر و تودیع تمام حقوق مادی و اقتصادی صاحب حق ادبی و هنری نزد مقام دولتی مذکور اجازه بهره‌برداری از اثر را دریافت می‌کنند. مقام دولتی نیز به نوبه خود با بررسی جستجوی معقول و متعارف مصرف‌کنندگان، با تعیین شرایط و ضوابط بهره‌برداری از اثر و مبلغ حق امتیاز برای مدت زمان مشخص مجوز بهره‌برداری را صادر می‌کند. بخشی از حق امتیاز دریافتی را یا به مصرف امور خیریه و فرهنگی یا توسعه صنعت ادبی و هنری مذکور می‌رساند و بخش دیگر را به امانت نگهداری می‌کند تا پس از پیداشدن صاحب حق ادبی و هنری اثر در اختیار او قرار دهد. علاوه بر این در صورتی که صاحب حق ادبی و هنری ظرف مدت مشخصی پیدا نشد، مقام دولتی می‌تواند حق امتیاز را صرف امور از پیش تعیین شده قانونی کند.

درواقع سیستم صدور مجوزهای اجباری، ضمن اینکه بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری را تسهیل و فراهم می‌کند، حقوق و منافع مشروع و قانونی صاحب حق ادبی و هنری اثر در آن تضمین و حفظ می‌شود و به نحو قابل توجهی منجر به برقراری تعادل میان مصرف‌کنندگان و صاحبان حق ادبی و هنری آثار می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و

نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را داریم.

سهم نویسندگان: نگارش این مقاله براساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و

- Janssens, M & Tryggvadóttir, R (2014). "Facilitating Access to Orphan and Out of Commerce Works to Make Europe's Cultural Resources Available to the Broader Public". *SSRN Electronic Journal*, 1-44.
- Khong, D (2006). "Orphan Works, Abandonware and the Missing Market for Copyrighted Goods". *International Journal of Law and Information Technology*, 15(1): 54-89.
- Lang, B (2010). "Orphan Works and the Google Book Search Settlement: An International Perspective". *NYL Sch. L. Rev.*, 55: 111.
- Lessig, L (2008). "On the Google Book Search Agreement". *Lessig Blog Archive*.
- Lu, B (2012). "The Orphan Works Copyright Issue: Suggestions for International Response". *Journal of the Copyright Society of the USA*, 60(3): 701-730.
- Lüder, T (2010). "The Orphan Works Challenge". *GRUR Int*, 677: 685.
- Man Singh, N (2011). "Factors Contributing to Orphan Works Vis-À-Vis a Viable Solution". *SSRN Electronic Journal*, 1-12.
- New German Legislation on Orphan and out-of-Commerce Works (2013). Available at: https://www.vgwort.de/fileadmin/pdf/allgemeine_pdf/German_legislation_on_orphan_and_out-of-commerce_works.pdf.
- Olsson, H (2005). *The Extended Collective License as applied in the Nordic Countries*. Presentation at Kopinor 25th Anniversary International Symposium May 2005.
- Pallante, M (2015). *Orphan Works and Mass Digitization*.
- Penetrante Ventajar, D (2010). Finding a Home for Orphan Works: Will a Human Rights Perspective Help?. Master Thesis, Scania: Faculty of Law, Lund University.
- Picker, R (2012). "Private Digital Libraries and Orphan Works". *Berkeley Technology Law Journal*, 27(3): 1259-1284.
- Riis, T & Schovsbo, J (2010). "Extended Collective Licenses and the Nordic Experience: It's a Hybrid but is it a Volvo or a Lemon". *Social Science Research Network*, 33: 1-26.
- Copyright Board of Canada, Unlocatable Copyright Owners. *What is the Copyright Board of Canada?* Available at: <https://www.cb-cda.gc.ca/unlocatable-introuvables/brochure2-e.html>.
- Dahlberg, B (2011). "The Orphan Works Problem: Preserving Access to the Cultural History of Disadvantaged Groups". *Review of Law and Social Justice*, 20(2): 275-314.
- De Beer, J & Bouchard, M (2009). "Canada's "Orphan Works" Regime: Unlocatable Copyright Owners and the Copyright Board". *Oxford University Commonwealth Law Journal*, 10(2): 215-254.
- De Beer, J (2012). *New Forms of Governance for Digital Orphans: Copyright Litigation, Licences and Legal Information*. Cambridge: Cambridge University Press.
- De la Durantaye, K (2010). "Finding a Home for Orphans: Google Book Search and Orphan Works Law in the United States and Europe". *Fordham Intell. Prop. Media & Ent. LJ*, 21: 229.
- Favale, M; Homberg, F; Kretschmer, M; Mendis, D & Secchi, D (2013). "Copyright and the Regulation of Orphan Works: A Comparative Review of Seven Jurisdictions and a Rights Clearance Simulation". *SSRN Electronic Journal*, 1-98.
- Gader-Shafran, R (2015). *Intellectual Property Law Dictionary*. Law Journal Press.
- Gervais, D (2005). "The Purpose of Copyright Law in Canada". *University of Ottawa Law & Technology Journal*, 2(2): 315-356.
- Goldenfein, J & Hunter, D (2017). "Blockchains, Orphan Works and the Public Domain". *Columbia Journal of Law & the Arts*, 41(1): 1-43.
- Hansen, D; Hinze, G; Hashimoto, K; Samuelson, P & Urban, J (2013). "Solving the Orphan Works Problem for the United States". *Columbia Journal of Law & the Arts*, 37(1): 1-55.
- Hugenholtz, B; Van Eechoud, M; Van Gompel, S & Helberger, N (2006). "The Recasting of Copyright & Related Rights for the Knowledge Economy". *Report to the European Commission, DG Internal Market*, 308.

- Ringnalda, A (2011). "Orphan Works, Mass Rights Clearance and Online Libraries: The Flaws of the Draft Orphan Works Directive and Extended Collective Licensing as a Solution". *Medien und Recht International*, 8: 3-10.
- Rosati, E (2013). "The Orphan Works Provisions of the ERR Act: Are They Compatible with UK and EU Laws?". *European Intellectual Property Review*, 35(12): 724-740.
- Spires, R & Rooke, M (2013). *Orphan Works in the UK and Overseas*. Report Commissioned by the Intellectual Property Office (IPO), ISBN: 978-1-908908-48-3.
- Sullivan, K (2011). "Orphan Works at the Dawn of Digitization". *Richmond Journal of Law & Technology*, 18(2): 1-40.
- Suthersanen, U (2018). "Who Owns the Orphans? Property in Digital Cultural Heritage Assets". *Queen Mary School of Law Legal Studies Research Paper*, 275: 359-390.
- Tengchiew, E (2011). *Orphan Works: Problem and Solutions*. PhD diss., Bangkok: Faculty of Laws, Thammasat University.
- Van Eechoud, M (2009). *Harmonizing European Copyright Law: The Challenges of Better Lawmaking*. Netherlands: Kluwer Law International.
- Van Gompel, S (2007). "Audiovisual Archives and the Inability to Clear Rights in Orphan Works". *Legal Observations of the European Audiovisual Observatory*, 4: 2-8.
- WIPO (2008). *Justifications for Topics Proposed as Future Work by the European Community and its Member States at the SCCR of 10-12*.



Volume 4, Issue 2, 2023

The Legal Framework of Using Orphan's Literary and Artistic Works: Comparative Study of the Legal Systems of Canada, America, Denmark and Iran

Ali Soleimani*¹, Tayebeh Saheb²

1. M.A, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 39-53

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: 000000000000

Email: : ali.solaymani.ir@gmail.com

Article history:

Received: 23 Feb 2023

Revised: 03 Apr 2023

Accepted: 07 May 2023

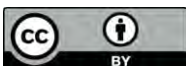
Published online: 22 Jun 2023

Keywords:

Orphan Works, Compulsory License, Extended Collective License, Limitation on Remedies.

ABSTRACT

In recent years, the value of literary and artistic works and their use have become increasingly important and now play an important role in the production of science and scientific and cultural progress in Iran. However, since according to the provisions of literary and artistic right a legitimate and legal exploitation of literary and artistic works is necessary to obtain permission from the copyright holder, there are works of art known as Orphan works that Their current owner is not available or can not be found. In the legal system of Iran, these works are not identified and there are no specific regulations regarding them. Considering the importance of the subject matter and the challenges that it poses to consumers, the reference to other contemporary legal systems and the use of Experience and study of their approaches can be a way of identifying the challenges of exploiting Orphan works and guidance to legislate in the establishment of appropriate laws in this regard.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Soleimani, A & Saheb, T (2023). "The Legal Framework of Using Orphan's Literary and Artistic Works: Comparative Study of the Legal Systems of Canada, America, Denmark and Iran". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 4(2): 39-53.